

*

• اشاره

نویسنده مقاله با اشاره به دشواری‌های ترجمه قرآن، به نقاط ضعف ترجمه‌های قبل و معاصر خود از نگاه تیزبین فیشر می‌پردازد، و آن‌گاه راهی نو فرا روی مترجمان آینده قرار می‌دهد. به دلیل اهمیت نکات موجود در مقاله، ترجمه آن را در اختیار خوانندگان محترم می‌گذارم و از هرگونه کاستی در بیان مطلب پوزش می‌خواهم (مترجم).

با توجه به اهمیت بررسی‌های آقای فیشر درباره ارزش ترجمه‌های موجود قرآن،^۱ آن هم در کتابی کوچک ولی پر محتوا، بسیار بجاست که بار دیگر بدان بپردازیم، زیرا در آن نوشتار سخن از چیزی جز مسائل اساسی در تفسیر قرآن نیست. علاقه جمع زیادی از دانشمندان

* مشخصات اصل مقاله چنین است:

Johan Fück, «Zur Frage der Koranübersetzung», in *Orientalistische Literaturzeitung* 47 (1944) col. 165-168.

این مقاله ناظر به تحقیقات علمی آگوست فیشر قرآن پژوه آلمانی در کتاب ارزش ترجمه‌های موجود قرآن و سوره مند است.

1. Fischer, A. *Der Wert der vorhandenen Koran-Übersetzungen und Sure 111*. Leipzig, 1937.

مغرب زمین به کتاب آسمانی پیامبر اسلام از دیرباز موجب شده است که قرآن به کرات به زبان‌های اروپایی ترجمه شود. در عرصه زبان و ادبیات عرب تا به حال هیچ اثری به اندازه قرآن ترجمه نشده است و تعداد این ترجمه‌ها هر سال زیادتر می‌شود. برخی در شمارگان بسیار بالا چاپ می‌شوند و پاره‌ای از آنها اعتباری کلاسیک دارند. اما اگر از این سخن نتیجه بگیریم که کار اصلی در این راستا انجام شده، به خطایی بس بزرگ گرفتار آمده‌ایم. حتی آقای فیشر به صراحت می‌گوید که هیچ یک از ترجمه‌های موجود - خواه ترجمه کامل یا گزیده - به لحاظ زبان‌شناختی از کفایت لازم برخوردار نیست. دلایل این واقعیت تکان دهنده را باید از یک سو در نفس این کار جست، و از سوی دیگر مترجمان را مسئول دانست. وی مؤکداً خاطر نشان می‌کند که در سبک و سیاق آیات قرآن ابهام خاصی نهفته است و حتی در آیه هفتم سوره آل عمران چنین آمده است: در این کتاب والا، در کنار آیات یقینی [محکمات] آیات مبهم [متشابهات] وجود دارد. همچنین کنایات فراوانی راجع به اشخاص (به ویژه دشمنان)، حوادث و اوضاع صدر اسلام در قرآن هست که مصادیق آنها خیلی زود به فراموشی سپرده شد؛ آن گونه که قدیمی ترین مفسران نیز در مورد آنها ناگزیر از حدس و گمانه زنی شدند.

از جمله مسائل مشکل آفرین در این راه، فقدان نظم در ترکیب و انشای قرآن است؛ به این معنا که بیشتر سوره‌های بلند قرآن، ترکیبی از آیات بسیار متفاوت و گوناگون راجع به زمان‌های مختلف است. نکته دیگر این که قرآن فاقد یک نسخه اصلی است و لذا انتخاب میان قرائت‌های مختلف همیشه کار ساده‌ای نیست.

گذشته از دشواری‌های بالا که در طبیعت این کار هست، موضوع دیگر ناکارآمدی‌های مترجمان است که تا کنون جرأت ترجمه را به خود داده‌اند. فیشر همه مترجمان قرآن را کمابیش مورد سرزنش قرار داده است، زیرا آنها:

- بیش از حد به تفاسیر خودی (مسلمانان)، به ویژه تفاسیر متأخر متکی بوده‌اند؛

- به نکات زبان‌شناختی موجود در منابع تفسیری بسیار کم بها داده‌اند؛

- قرائت‌های مختلف قرآن را به ندرت مد نظر داشته‌اند؛

- با پرداختن به عناصر یهودی - مسیحی در قرآن، از ویژگی‌های خاص زبان عربی غافل شده‌اند؛

- در بیشتر موارد فاقد شناخت کافی از ظرافت‌های دستور زبان عربی و تسلط در به کارگیری عناصر زبانی بوده‌اند. و آخرین ملامت این که مترجمان با جزم اندیشی در

ترجمه آیات، بسیاری از آیات مشکل قرآن را حذف کرده‌اند.

البته فیشر صرفاً به نقد نظری بسنده نمی‌کند، بلکه برای تأیید ایرادهای خود به سوره ۱۱۱/مَسَد در ترجمه‌های موجود استناد می‌کند. نتیجه بررسی وی غافلگیر کننده است، زیرا از پنج آیه این سوره تنها آیه سوم درست ترجمه شده^۱ و از چهار آیه دیگر فهم درستی صورت نگرفته است. مترجمان در دو آیه نخست (بریده باد دستان ابولهب...) توجه نداشته‌اند که پس از فعلِ دعایی «تَبَّتْ»، همچنان که در اصطلاح عامیانه «أَهْلَكَ وَ قَدْ أَهْلَكَ» داریم، فعل گذشته «وَتَبَّتْ» و یا «وَقَدْ تَبَّتْ» (طبق قرائت ابن مسعود و ابی بن کعب) آمده است. عده‌ای از آنان هر دو فعل را امر گرفته‌اند که در این صورت رابطه‌ای با فعل گذشته «ما اغنی» ندارد، و برخی دیگر افعال مزبور را «ماضی» معنا کرده و لذا در فهم کل آیه، یعنی نفرین به ابولهب، به خطا رفته‌اند.

ترجمه دو آیه آخر سوره از این بدتر است: «و زنش آن آورنده هیزم است که گردنش آراسته به طنابی از لیف خرماسست». قدیمی ترین تفاسیر مسلمین در این آیه به یک «هجا» پی برده، که بر طبق آن همسر ابولهب در هیئت کنیزی که پست ترین کار پیشه اوست و هیچ زینتی ندارد تحقیر شده است. دیگر مفسران «حمل کننده هیزم» را کنایه از افترا زننده یا خودنما انگاشته‌اند، و یا با نقل حکایتی ابلهانه تصویر زنی را نشان می‌دهند که در راه پیامبر خار می‌افکند. در عین حال مترجمان اروپایی چهره‌ای از همسر ابولهب مجسم می‌کنند که هیزم‌کش آتشی است که ابولهب در آن می‌سوزد.

این بررسی موشکافانه، آن هم با مهارت خاص فیشر، که ایرادهای وارده بر مترجمان را به طور مستند نشان می‌دهد، در زمینه مبانی تفسیر قرآن نیز آموزنده است. نقد مزبور (لااقل در مثال منتخب) اهمیت زیاد قرائت‌های قرآنی را آشکار می‌سازد که در این جا به طور سیستماتیک و برای نخستین بار مطرح گردید. چنان که ملاحظه شد، تفسیر درست آیه اول به قرائتِ خاصِ «وَقَدْ تَبَّتْ» بستگی تام دارد و این نکته با دقت در متن معلوم می‌گردد.

از مطالعات دقیق فیشر چنین بر می‌آید که در اصطلاح عامیانه «أَهْلَكَ وَ قَدْ أَهْلَكَ» هیچ‌گاه «وَقَدْ» حذف نشده، حال آن که در اصطلاح «فَعَلَ اللهُ بِكَ وَفَعَلَ» هر دو فعل دعایی هستند (نک. فیشر، ارزش ترجمه‌های موجود قرآن و سوره مَسَد، ص ۲۴، پاورقی ۱). اکنون مفسران اسلامی دریافته‌اند که قرائت ابن مسعود به فهم نسخه عثمان بیشتر کمک می‌کند (نک. نقل

۱. او (ابولهب) به حتم در آتش می‌سوزد.

قول فیشر از سهیلی در ص ۱۹ همان کتاب و نیز تاریخ قرآن، نولدکه، ج ۳ ص ۸۰، پاورقی ۱). آنها برای تفسیر درست آیه مربوطه (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ) نیز به آن استناد کرده‌اند [نک. ص ۲۴ کتاب]؛ حال آن که تاکنون هیچ یک از مترجمان اروپایی از آن بهره نچسته‌اند.

اثبات وجود یک هجای خالص عربی در سوره ۱۱۱ از اهمیت کمی برخوردار نیست، زیرا قویاً تأییدی است بر این واقعیت که زبان حضرت محمد(ص) نه به واسطه یهود و نصارا، بلکه بیش از همه در محیط عربی خویش قابل درک است. استفاده پیامبر از این هجا تصویری را که در آغاز بعثت وی نسبت به کاهنان پیشین داریم پررنگ و معنادار می‌سازد.^۱ بدیهی است که او بالاتر از یک کاهن بود و به حق در این مورد به مردم اعتراض می‌کرد. اما نکته این جاست که اگر پیامبر (لااقل در شیوه‌های ظهور بعثت خود) یادآور کاهنان پیشین نمی‌بود، هرگز این سوء تفاهم برای مردم رخ نمی‌داد.

خلاصه این که مترجمان آینده باید در کار خود به قرآن همچون اثر ادبی کهنی بنگرند که شرح موارد نامفهوم آن را در جوهره ادبیات پیشین عرب که پیامبر در فضای آن رشد نموده می‌توان یافت. از جمله صبغه‌های ادب جاهلی در قرآن کاربرد اصطلاحات شاعران است (البته براثت پیامبر از شعر به محتوا مربوط می‌شود، نه به فرم).^۲ مثلاً در پایان بررسی فیشر معلوم می‌شود که «چید» (= گردن) از الفاظ خاص بدوی است. از این رو قرآن پژوهی آینده بایستی شعر و ادب دوره جاهلی را به عنوان خالص‌ترین وسیله برای بیان حیات معنوی اعراب پیش از اسلام مورد نظر قرار دهد.

آقای فیشر در این کتاب خود در برابر کسانی که ترجمه‌های موجود از قرآن را دست بالا می‌گیرند، تابلویی هشدار دهنده قرار داده و علاوه بر آن، با بررسی یک نمونه عینی چگونگی ترجمه قرآن را برای آیندگان ترسیم کرده است. لذا تمام کسانی که برای فهم این کتاب به ظاهر ساده ولی در واقع پر از دشواری تلاش می‌کنند، از او صادقانه سپاسگزار خواهند بود.



1. S. Fischer, *EI*, II, 670b.

۲. در قرآن کهنان و شعرسرای به صراحت از پیامبر اکرم(ص) نفی شده است، ضمن این که سخنان و خطبه‌های آن حضرت با کلام قرآن تفاوت بسیار دارد و قابل مقایسه نیست. (مترجم)